

تأثیر آموزش الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی بر روابط والد-فرزند دانش‌آموزان دختر

فریبا فرازی^۱

معصومه اسمعیلی^۲

حسین اسکندری^۳

محمد حاتمی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۵

چکیده

والدین و فرزندان‌شان در دوران نوجوانی روابط تازه‌ای با یکدیگر برقرار می‌کنند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی بر روابط والد-فرزند بود. روش پژوهش نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود و جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر کلاس دوازدهم هنرستان‌های شهر بیرجند در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بودند. از این جامعه تعداد ۳۰ نفر که ویژگی‌های ورودی موردنظر را داشتند به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. از پرسشنامه رابطه والد-فرزند فاین، مورلند و سئوبل (۱۹۸۳)، برای سنجش متغیر وابسته استفاده شد. برنامه آموزشی طی ۸ جلسه ۱ ساعته برای گروه آزمایش اجرا شد و گروه کنترل مداخله‌ای دریافت ننمود. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از تحلیل کواریانس چندمتغیره انجام شد. نتایج نشان داد آموزش الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی موجب بهبود روابط والد-فرزند در مقابل گروه کنترل شد ($P < 0.05$). با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان گفت در اثر آموزش الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی کیفیت روابط والد-فرزند بهبود پیدا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی، روابط والد-فرزند، مهارت‌های ارتباطی، دانش-آموزان دختر

۱. مربی، دکتری روانشناسی تربیتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۳. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۴. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه

نوجوانی به دوره‌ای از رشد یا تحول اطلاق می‌شود که بین کودکی و بزرگسالی است و غالباً یک دوره انتقالی تلقی می‌شود. این دوره همراه با تغییرات عمده جسمانی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی است که غالباً از حدود ۱۲-۱۱ سالگی شروع می‌شود و در بسیاری از کشورهای صنعتی جهان در سن ۲۰ سالگی یا حتی دیرتر خاتمه می‌یابد (احدی و جمهری، ۲۰۱۶). در روان‌شناسی نوجوانی، تحول یک مفهوم محوری است (کاترال^۱، ۲۰۰۴). اکثر پژوهشگران نوجوانی را به سه دوره تحولی تقسیم کرده‌اند که شامل اوایل نوجوانی (۱۰ تا ۱۳ سالگی)، اواسط نوجوانی (۱۴ تا ۱۷ سالگی) و اواخر نوجوانی (۱۸ تا اوایل ۲۰ سالگی) است (سمتانا، کمپیون-بار و متزگر^۲، ۲۰۰۶). شکل‌گیری روابط نزدیک، یکی از وظایف تحولی-اجتماعی نوجوانان است. هم نظریه سالیوان و هم اقتباس‌های اخیر نظریه تبادل اجتماعی، اذعان داشته‌اند که اهمیت روابط مختلف با تغییر سن و نمو یافتگی فرد تغییر می‌یابد (کاتلر و گرکا^۳، ۲۰۰۴). در واقع روابط بین افراد به ندرت ایستا و ثابت است چرا که افراد تغییر می‌کنند. این تغییرات نیز روابط آن‌ها را با دیگران تحت تأثیر قرار می‌دهد. به اعتقاد اشنایدر، اتکینسون و تاردیف (۲۰۰۱؛ الیس و دامس^۴، ۲۰۱۸) در هر زمان معینی، نوجوانان در شبکه‌های پیچیده متعددی از جمله روابط والدین-فرزند، خواهر و برادر، دوست و همسالان قرار می‌گیرند که به عنوان منابع اصلی حمایت اجتماعی به شمار می‌روند.

اکثر صاحب‌نظران روان‌شناسی با وجود اختلاف نظر در بسیاری از حوزه‌ها، در زمینه اهمیت نقش خانواده در فرایند تحول اتفاق نظر دارند و این امر منعکس کننده تأثیر بارز والدین بر فرایند تحول است (پاکدامن و مرتضوی نصیری، ۲۰۱۴؛ پکارسکی^۵، ۲۰۱۳؛ نیتر، تورنبری و برستن-نایت^۶، ۲۰۱۳) به گونه‌ای که، کیفیت روابط والد-فرزند می‌تواند موفقیت‌های اجتماعی بیشتری را در تمام دوران نوجوانی پیش‌بینی کند (الیس و دامس، ۲۰۱۸).

ارتباطات، بعد مهم روابط والدین و نوجوانان، با علائم درونی و علائم بیرونی نوجوانان ارتباط دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که ارتباطات سالم والدین و نوجوانان می‌تواند یک عامل محافظت کننده در برابر پیامدهای منفی سلامت روان در نوجوانی باشد (اوهانسیان^۷، ۲۰۱۳). هنگامی که نوجوانان ارتباط با والدین خود را ضعیف تلقی می‌کنند، از حمایت والدین نیز کمتر خبر می‌دهند، که به نوبه خود با علائم افسردگی در

-
1. Cotteral
 2. Smetana, Campione-Barr & Metzger
 3. Kuttler & Greca
 4. Ellis & Dumas
 5. Pekarsky
 6. Nieter, Thornberry & Brestan-Knight
 7. Ohannessian

نوجوانی ارتباط مثبت دارد. علاوه بر این، ارتباط بهتر والدین و نوجوانان با سطح پایین‌تر از علائم بیرونی نوجوانان همراه بوده است و ارتباط ضعیف والدین، نوجوانان با پرخاشگری در مدرسه و تصمیمات مربوط به رفتارهای بزهکارانه همراه است (ویدر، مک‌وی و لوسیر، ۲۰۱۶).

از سوی دیگر، تغییرات هورمونی مربوط به بلوغ باعث می‌شود که نوجوانان در تلاش برای استقلال از والدین باشند که این امر منجر به تعارض با والدین می‌شود (برانج، ۲۰۱۸). بیشتر تعارض‌هایی که در خانواده بین نوجوان و والدین به وجود می‌آید، ناشی از مهارت‌های ناکافی در امر مذاکره و گفت و گو بین اعضای خانواده، عدم توافق نسبت به قواعد و مسئولیت‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های ضعیف در حل مسأله، مهارت‌های ارتباطی ضعیف، دریافت شناختی تخریب شده، ضعف در توانایی درک دیدگاه دیگران، عدم کنترل خشم، ضعف در مهارت‌های تصمیم‌گیری و جرأت‌ورزی است (ملاحی و نیکنژادی، ۲۰۱۷). به طوری که، تغییر در روابط والد-نوجوان و تعارضات بیشتر با والدین با مشکلات نوجوانان مانند اضطراب، افسردگی، مصرف مواد، رفتار پرخاشگرانه و اعتماد به نفس پایین همراه است (بی، یانگ، لی، وانگ، ژانگ و دیتر-دیکارد، ۲۰۱۸). این در حالی است که در هیچ دوره‌ای از زندگی به اندازه دوران نوجوانی فرد احتیاج به حمایت، کمک و تفاهم والدین ندارد. این عدم ارتباط، نوجوان را در معرض خطرات گوناگون احساسی و روانی قرار می‌دهد و در والدین نیز تولید خشم و رنجش می‌کند (میلانی‌فر، ۲۰۱۷). از همین رو، در این پژوهش از مقیاسی جهت بررسی روابط والد-فرزند استفاده شده است که سازه‌های آن شامل نزدیکی روانشناختی بین والدین و فرزند (عاطفه مثبت)، اعتماد فرزند نسبت به والدین، شفافیت کودک در مورد نقشی که والدین در زندگی خود ایفا می‌کنند (آزردگی/سردرگمی نقش)، دقت ادراک فرزند از والدینش، عصبانیت فرزند نسبت به والدینش (خشم)، برقراری ارتباط بین والدین و فرزند (ارتباط/گفت و شنود)، احترام فرزند نسبت به والدین و تأثیر والدین در زندگی فرزندشان (هماندسازی) می‌باشد فاین، مورلند و سئوبل^۴ (۱۹۸۳). علاوه بر این، از آنجا که برقراری و حفظ ارتباط امر بسیار مهمی است راه‌های بهتری برای ارتباط با فرزندان و حل مشکلات وجود دارد، به طوری که بتوان زیر یک سقف زندگی کرد، لذا معرفی الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی^۵ به شیوه‌ای برنامه‌ریزی شده و سازمان شده جهت بهبود کیفیت رابطه والد-نوجوان ضرورت می‌یابد.

این الگو که تلفیقی از دو الگوی تعلیمی و جان‌درمانی است بر اساس مبنای اهمیت تفاوت‌های فردی و فنی با هم تلفیق شده اند. الگوی تعلیمی یا روانی آموزشی، مجموعه‌ای از تلاش‌ها و اقدامات اصولی است که شامل روش‌ها و تکنیک‌هایی برای تغییر رفتار و شخصیت به منظور رسیدن به رشد بهینه می-

1. Withers, McWey & Lucier

2. Branje

3. Bi, Yang, Li, Wang, Zhang & Deater-Deckard

4. Fine, Moreland & Schwebel

5. Educational pattern

باشد (حمبلی و گیپایانا، ۲۰۱۶). این الگو بیشتر شامل برنامه‌های آموزش گروهی سازمان یافته می‌باشد که به شرکت‌کنندگان کمک می‌کند دانش و مهارت‌هایشان را برای مقابله با مشکلات بالقوه و ضروری، تحولات رشدی یا بحران‌های زندگی توسعه دهند. (آنیامن، نوکولو و مادگبانا، ۲۰۱۵). در الگوی تعلیمی از تکنیک‌های وسیعی که از دیدگاه‌های نظری گرفته شده است تحت عنوان مداخلات روانی آموزشی استفاده می‌شود. به عنوان مثال: به مراجعین می‌توان تکنیک «مهارت‌های ارتباطی» را برای بهبود رابطه با والدین‌شان آموزش داد (گوردون، ۳، ۱۹۷۶ و پترسون، ۴، ۱۹۷۷). در گروه‌هایی که به منظور آموزش روابط تشکیل می‌شود رهبر گروه با داشتن دانش و تجربه، شیوه‌های جدیدی از ارتباط و رابطه را بیان می‌کند. این گروه‌ها ممکن است روی والدین، مهارت‌های ارتباطی، روابط بین فردی، روابط کاری، تغییر روابط شخصی، طلاق و غیره متمرکز شوند (برون، ۵، ۲۰۱۸). شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد الگوی تعلیمی در موارد مربوط به اصلاح ادراکات نوجوان نسبت به والدین موثر بوده است (آنیامن، نوکولو و مادگبانا، ۲۰۱۵؛ فرازی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷).

در این راستا، مهارت‌های ارتباطی به منزله آن دسته از مهارت‌هایی هستند که به واسطه آن‌ها افراد می‌توانند درگیر تعامل‌های بین فردی و فرآیند ارتباط شوند: یعنی فرآیندی که افراد در طی آن اطلاعات، افکار و احساس‌های خود را از طریق پیام‌های کلامی و غیرکلامی با یکدیگر در میان می‌گذارند (پورفراہانی، مرادیان، زمانی‌نیا و علی‌کیمیایی، ۲۰۱۹). از جمله مؤلفه‌های ارتباطی نیز می‌توان به پیامدهای من مثبت، گوش دادن فعال و جرأت و جسارت اشاره کرد (قربانی، ۲۰۱۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد فاقد مهارت‌های ارتباطی مناسب، در موقعیت‌های مختلف دچار مشکل می‌شوند. مشکلات چنین افرادی عمدتاً به دو حیطه مربوط می‌شود: راهبردهای کنترل بیرونی و راهبردهای حل-مسأله. چنانچه این افراد به طور صحیح و به مقدار مطلوب تحت آموزش مهارت‌های ارتباطی یا سایر مهارت‌های زندگی قرار بگیرند، در این دو مشکل بهبود چشمگیری خواهند داشت (اریلی، لانسیونی، سیگافوس، اودونوگه، لیسو و ادریسینا، ۲۰۰۴).

از طرف دیگر از آنجایی که، پایه‌های اولیه فرهنگ اعم از گرایش مثبت و بهنجار و گرایش منفی و تبهکارانه در خانواده شکل می‌گیرد و این خانواده است که با حفظ ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها و سنت‌های خود، منبع مهمی در ارائه مراقبت از اعضای خود، اجتماعی شدن کودکان، حمایت و هدایت فراهم

-
1. Hambali, I. M., & Gipayana, M
 2. Anyamene, Nwokolo & Madegbuna
 3. Gordon
 4. Patterson
 5. Brown
 6. Anyamene, A., Nwokolo, C., & Madegbuna, U
 7. O'Reilly, Lancioni, Sigafos, O'Donoghue, Lacey & Edrisinha

می‌آورد (مکیوان، گومد، ماکوا و وادا، ۲۰۱۷)؛ لذا، توجه به نقش آن و برقراری روابط مناسب والد-فرزند که یکی از زیر منظومه های فرهنگ ساز و بستر انتقال فرهنگی است امری بسیار مهم و ضروری است.

رویکرد دیگری که اخیراً در حوزه الگوهای مشاوره‌ای مطرح شده است، الگوی جان‌درمانی است که مطابق با فرهنگ بومی و ملی ایران شکل گرفته است. فرهنگ ایرانی دارای سابقه کهن و درخشانی در زمینه‌های متعدد است. ایران، سرزمین خیزش شعراء نامدار و بزرگ است و از میان ملل مختلف جهان، کمتر ملتی را می‌توان یافت که دارای چنین خصوصیتی باشد. شاعرانی چون فردوسی، حافظ، سعدی، مولوی، عطار نیشابوری، خواجه عبدالله انصاری، شهریار تبریزی و محتشم کاشانی در بلندای قله شعر و شاعری قرار دارند که در سرودن اشعار، گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند. آنها با بهره‌گیری از قرآن کریم و سخنان معصومین (علیهم‌السلام)، عالی‌ترین و لطیف‌ترین معانی و مضامین ارزشمند و آموزنده را در قالب‌های گوناگون شعری به جامعه بشری ارزانی داشته‌اند. شاعران گرانقدر ما در ارتقاء فرهنگ و اخلاق مردم نقش بسزایی داشته و دارند. آنان با سرودن شعرهای گوناگون در بخش‌ها و موضوعات مختلف به مردم، رشد فکری، فرهنگی، تربیتی و معنوی بخشیدند. اشعار شعراء متعهد و ربّانی، به مردم و جامعه، امید، نشاط، طراوت، لطافت، تحرُّک و عشق می‌بخشد و درس زندگی، پند، تجربه، اندیشه، آزادگی و فرهنگ می‌آموزد و ظرفیت وجودی و روحی مردم و جامعه و افراد را در ابعاد مختلف بالا می‌برد و استعدادها را شکوفا می‌سازد.

الگوی جان‌درمانی مبتنی بر تعالیم جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولوی است. مولوی، نوجوانی و جوانی را برزخ عمر آدمی می‌داند و معتقد است در این مرحله از عمر، دو بهار در تقارن هم آمده است. یکی بهار جسمی و دیگر بهار روحی. آن بهار، جسم جوان را نیرومند و پرتوان کرده است و این بهار، جوان را حساس، عاطفی و قالب‌شکن ساخته است (زمانی، ۲۰۰۳). در الگوی جان‌درمانی، مراد از جان وجود آدمی است که واژه مناسب‌تری از روان برای درمان است. این الگو که از اشعار مولوی قصه طوطی و بازرگان استخراج شده، سرگذشت جان‌انسانی را بیان می‌کند که در قفس نیازها، تمرکز بدون اراده بر آنها و عدم کنترل و توان به تعویق انداختن آنها، اسیر شده و سرانجام با آگاهی از این اسارت و به اصطلاح مولوی، مرگ قبل از مرگ، به رهایی و آزادی می‌رسد (اسمیعیلی و محمدی، ۲۰۱۵). طوطی در این داستان نماد جان‌انسانی (نماد جان علوی، پاک و مجرد) است. قفس نماد تن که راه رهایی از آن آزاد شدن از بندهای ساختگی عادت و تلقین و به طور کل مادیات است (فروزان‌فر، ۲۰۰۶). الگوی جان‌درمانی با دیدگاه هستی‌نگرانه‌ای مبتنی بر مکتب مولانا و تطابق آن با مکتب متعالیه، جان را پویا و متحرک در نظر می‌گیرد و پویایی و سیالیت را رمز سلامت جان می‌گیرد. مولانا این نوشدگی و پویایی را نافرودگی جان می‌شناسد و انسان را سفارش به نو شدن و دگرگونی، همانند هستی خود می‌کند که

امروزش باید با دیروزش فرق کند (محمدی، ۲۰۱۱). الگوی جان درمانی نیز شامل محتوا، فرایند، اهداف و فنون می‌باشد.

در نهایت، با توجه به اینکه تلفیق می‌تواند در سه سطح نظری (تلفیق نظری)، در سطح فنی (التقاط-گرایی فنی) یا به احتمال بیشتر در هر دو سطح (تلفیق جذبی) اتفاق بیفتد (اسمعیلی، ۲۰۱۵)؛ التقاط-گرایی فنی کمتر به اصول نظری توجه دارد و بیشتر به دنبال توانمند ساختن درمانگر برای انتخاب بهترین درمان (مداخله) در هر مورد است. طبق التقاط-گرایی فنی که در آن این پیش‌بینی صورت می‌گیرد چه مداخلاتی؟ و برای چه کسانی؟ صورت گیرد؛ در الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی نیز با کمک گرفتن و تلفیق دو الگوی تعلیمی و الگوی جان درمان این سوال مطرح است که تأثیر الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی در تعاملات نوجوانان با والدین‌شان چیست؟.

ابزار و روش

این پژوهش یک تحقیق نیمه آزمایشی از نوع «پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل» می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق، کلیه دانش‌آموزان دختر کلاس سوم (دوازدهم) هنرستان‌های شهر بیرجند در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ تشکیل داده‌اند که تعداد آنها برابر با ۱۵۳۵ نفر است. با توجه به ماهیت شبه آزمایشی پژوهش و جنبه آموزشی داشتن آن و با استناد به نظر دلاور (۲۰۱۲) مبنی بر چگونگی انتخاب حجم نمونه در طرح‌های شبه آزمایشی ۳۰ نفر به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. به این ترتیب که ابتدا به صورت تصادفی از بین هنرستان‌های دخترانه دو مدرسه انتخاب و در مرحله بعد به طور تصادفی از بین رشته‌های تحصیلی موجود در هر مدرسه یک رشته تحصیلی یکسان انتخاب و در نهایت از بین کلاس‌های موجود برای رشته مورد نظر یک کلاس به طور تصادفی انتخاب شد. سرانجام به صورت تصادفی یک کلاس به عنوان گروه آزمایش و یک کلاس به عنوان گروه کنترل انتخاب شد (هر کلاس ۱۵ نفر). ملاک‌های ورود به پژوهش در این مطالعه سن (حداقل ۱۶ سال)، رضایت آگاهانه برای شرکت در جلسات، کسب رضایت‌نامه از والدین و دریافت نکردن درمان‌های روان‌شناختی هم‌زمان و سلامت جسمانی از طریق پیگیری سوابق سلامت روانی و جسمانی دانش‌آموز با مشارکت اولیاء و معلمان و ملاک‌های خروج از پژوهش عدم تمایل به شرکت در جلسات، همکاری نکردن و انجام ندادن تکالیف هر جلسه، غیبت بیش از دو جلسه و مصرف داروهای روان‌پزشکی و داشتن بیماری‌های جسمانی از طریق مصاحبه‌ی اولیه و پرونده سلامت دانش‌آموز بودند. در ارتباط با گروه نمونه لازم به ذکر است، به لحاظ اینکه دانش‌آموزان هنرستانی نسبت به دبیرستانی‌ها که متمرکز بر دروس نظری هستند؛ دروس عملی بیشتری دارند و این امر به پختگی ارتباطات کمک شایانی می‌کند. همچنین، هنرستانی‌ها فرصت بیشتری برای دریافت آموزش‌های فوق برنامه در زمینه‌های متعدد دارند؛ علاوه بر این، پایه و سن بالاتر به درک مفاهیم برگرفته از مولوی که در الگوی تلفیقی به کار گرفته شده، کمک بیشتری می‌کند؛ لذا، با استفاده از تجربه

و مشورت با اساتید پایه دوازدهم هنرستان انتخاب شد. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه فاین، مورلند و سئوبل (۱۹۸۳) بود که در ادامه شرح داده شده است.

پرسشنامه سنجش رابطه والد-فرزند: پرسشنامه سنجش رابطه والد-فرزند توسط فاین، مورلند و سئوبل در سال ۱۹۸۳ تدوین شد. این پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال است و برای سنجیدن نظر نوجوانان درباره رابطه آنان با والدین‌شان به کار می‌رود. «مقیاس رابطه ولی-فرزندی» دو صورت دارد، یکی برای سنجیدن رابطه فرزند با مادر و یکی هم برای سنجیدن رابطه فرزند با پدر. هر دو صورت آن یکسان است تنها کلمه پدر و مادر در آن عوض شده است. با این حال، عوامل متفاوتی در شکل‌های مربوط به پدر و مادر آشکار شده است. عوامل مقیاس پدر شامل عاطفه مثبت، آمیزش پدرا نه، ارتباط یا گفت و شنود و خشم و عوامل مقیاس مادر شامل عاطفه مثبت، آزدگی/سردرگمی نقش، همانندسازی و ارتباط یا گفت و شنود است. نمره‌گذاری مقیاس نیز بدین ترتیب صورت می‌گیرد ابتدا نمره‌های منفی (۹، ۱۳ و ۱۴) را معکوس کرده و سپس نمره‌های هریک از ماده‌ها را جمع و بر تعداد ماده‌های هر عامل تقسیم می‌کنیم تا نمره آن زیرمقیاس به دست آید. نمره کل عبارت از جمع میانگین‌های خرده مقیاس‌ها است. مقیاس مذکور با ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ تا ۰/۹۶ و ضرایب آلفای ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به مادر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ از هماهنگی درونی سؤالات برخوردار است. مقیاس رابطه والد-فرزندی از روایی پیش‌بین خوبی بهره‌مند است و فرزندان خانواده‌های طلاق و یکپارچه را بطور معناداری از هم متمایز می‌کند. در این روایی همبستگی آزمون مذکور با مقیاس ارزیابی والدین کوپر (۱۹۶۶) بررسی شده است. (ثنائی، علاقیند و هومن، ۲۰۰۱). در پژوهش داداش (۲۰۰۴) روایی صوری مقیاس رابطه والد-کودک توسط استادان دانشگاه‌های شهیدبهشتی و تربیت معلم تأیید شده است. در پژوهش پرهیزگار (۲۰۰۳) روایی محتوایی هر دو فرم مقیاس رابطه والد-کودک مورد تأیید استادان دانشگاه‌های تربیت معلم و الزهرا قرار گرفت. در پژوهش پرهیزگار در یک نمونه ۱۲۰ نفری، ماتریس تحلیل عاملی هر دو مقیاس نشان می‌دهد ارزش محض کلیه ماده‌ها ۰/۵ است. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد و آلفای کرونباخ ۰/۵۰ تا ۰/۸۹ برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۲ و ضرایب آلفای ۰/۶۶ تا ۰/۸۲ برای خرده مقیاس‌های مربوط به مادر و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ بدست آمد. همچنین، سؤال نامناسب ۱۳ از مؤلفه همانندسازی از طریق آلفای کرونباخ حذف شد.

پس از انتخاب گروه نمونه و مشخص شدن گروه‌های آزمایش و گواه، ابتدا در مرحله پیش آزمون پرسشنامه رابطه والد-فرزند در هر دو گروه آزمایشی و گواه اجرا شد. سپس در گروه آزمایش دانش‌آموزان به صورت گروهی تحت آموزش الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی قرار گرفتند. جلسات آموزشی بصورت چهار جلسه در هفته بصورت پشت سر هم و سپس هر سه هفته یک بار بود بطوری که تقریباً سه ماه به طول انجامید (۸ جلسه یک ساعته). بعد از اتمام آموزش و گذشت سه ماه پس آزمون در هر دو گروه اجرا

شد و در نهایت نتایج بدست آمده در مرحله پیش آزمون و پس آزمون تجزیه و تحلیل شد. برای رعایت اصول اخلاقی علاوه بر حفظ رازداری و بی‌نام بودن، دانش‌آموزان نیز با شرکت در فرایند تحقیق موافقت خود را اعلام کردند. همچنین پس از پایان پژوهش، دوره آموزشی مهارت‌های ارتباطی برای گروه کنترل اجرا شد. پروتکل آموزش الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی بر مبنای الگوی تعلیمی (فرازی، ۲۰۱۷) و الگوی جان درمانی (اسمعیلی و محمدی، ۲۰۱۵) طراحی شد که خلاصه محتویات جلسه‌های آموزش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. محتوای دوره آموزشی الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی

جلسات	محتوا	هدف	روش
۱	ایجاد رابطه من - تویی در مقابل من - آنی	انجام پیش‌آزمون و سپس معارفه و آشنایی اعضای گروه با پژوهشگر و با یکدیگر و بیان اهداف و ضرورت یادگیری مهارت‌های ارتباطی و ایجاد انگیزه برای یادگیری مهارت‌ها	گوش‌سپاری، همدلی و انعکاس محتوا و احساسات و رازداری
۲	تبیین مفهوم مهارت‌های ارتباطی، پل‌ها و موانع معرفی عناصر	عمیق‌تر شدن رابطه من و تویی / کشف حجاب از طریق تحلیل خواست‌رهایی و سنجش آن از طریق: پرسش از مراجع، گفتگو در مورد آن / هوشیاری افزایشی	قفس آشنایی و و قفس-شکنی؛ طرح‌افکنی
۳	چهارگانه ارتباط و ارتباط کلامی و غیرکلامی	تحلیل پوشیدگی با اعضای گروه، حرکت به سمت گشودگی، هوشیاری افزایشی، پالایش روانی، زبان‌شناسی کلامی و غیرکلامی	قفس آشنایی و و قفس-شکنی؛ آینه جان
۴	شیوه‌های برقراری ارتباط (پرخاشگرانه، منفعلانه و جرأت‌مندانه)	هوشیاری افزایشی، شناخت دیالکتیکی، حجاب و حجاب‌افکنی، زبان‌شناسی کلامی و غیرکلامی	چراغ، طرح‌افکنی، شناخت با برابر نهاد و تشکیل هم نهاد
۵	آشنایی با روش‌های گوش دادن فعال و ارتباط مؤثر	تحلیل پوشیدگی با اعضای گروه، شناخت دیالکتیکی، حرکت به سمت گشودگی، هوشیاری افزایشی، پالایش روانی	آینه جان، طرح‌افکنی
۶	شناخت احساسات خود و دیگران و توانایی برای دادن پاسخ همدلانه	ادامه رابطه من و تویی، شناخت دیالکتیکی، تحلیل پوشیدگی با اعضای گروه، هشیاری افزایشی، ادامه حرکت به سمت گشودگی، پالایش روانی	گوش‌سپاری، انعکاس محتوا و احساسات، قفس-آشنایی و قفس‌شکنی
۷	ابراز وجود	آشنایی با انواع ابراز وجود، مراحل ششگانه ابراز وجود و شیوه‌های بیان نظر خود، فواید و کارکردهای آن، قاطعیت در رفتار به همراه انعطاف‌پذیری	شناخت با برابر نهاد و تشکیل هم نهاد
۸	جمع بندی و سنجش	جمع بندی مطالب گذشته و ایجاد انگیزه در اعضا برای استفاده از مهارت‌های آموخته شده در موقعیت‌های واقعی زندگی و در نهایت سنجش حرکت به سمت گشودگی، سنجش سیالیت و پویایی و پیش‌آزمون	پرسش پاسخ و پس‌آزمون

مطابق با جدول ۱، محتوای الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی همان آموزش مهارت (در اینجا مهارت‌های ارتباطی) است که در هر جلسه یک مهارت با استفاده از فنون متعدد آموزش داده شد. متناسب با محتوای هر جلسه و روشی که برای اجرای آن بکار گرفته شده است، اهدافی منطبق بر الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی دنبال می‌شود. از جمله این اهداف می‌توان به هشیاری افزایشی (افزایش آگاهی و تأکید بر شناخت مراجعین)؛ پوشیدگی و گشودگی جان از طریق کشف حجاب و حجاب افکنی (شناخت مشکل، تاریکی، ابهام یا حجاب و تلاش برای رهایی از آن)؛ پالایش روانی (تخلیه هیجانی، برون‌ریزی احساسات و هیجان‌ات)؛ زبان شناسی کلامی و غیرکلامی (آگاهی از ارتباط میان اندیشه، زبان و سودمندی زبان) و شناخت دیالکتیکی (معرفت شناسی هستی‌شناسانه: شناخت مراجع از خویش و حجاب و پوشیدگی خود و برای سردرگمی‌های مراجع) اشاره کرد.

پس از تدوین الگوی تلفیقی تعلیمی مولوی جهت بررسی روایی محتوایی، الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی به تأیید ۱۰ نفر از اساتید روانشناسی دانشگاه‌های بیرجند رسیده است. از اساتید خواسته شد تا پروتکل آموزشی الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی را به لحاظ محتوا و تکنیک‌های مورد استفاده در هر جلسه را مورد بررسی قرار داده و در یک طیف لیکرت ۳ قسمت (ضروری است، مفید است ولی ضروری نیست و ضروری نیست) نمره‌گذاری نمایند. سپس پاسخ‌ها با فرمول زیر محاسبه شد (شکل ۱).

$$CVR = \frac{n_e - \frac{n}{2}}{\frac{n}{2}}$$

جدول ۲. خلاصه درجه‌بندی‌های مربوط به روایی محتوایی الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی

توسط صاحب‌نظران

جلسات	داوران	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	CVR
۱	محتوا	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۱
	روش	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۱
۲	محتوا	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۰/۸
	روش	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۰/۸
۳	محتوا	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۰/۸
	روش	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۰/۸
۴	محتوا	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۰/۸
	روش	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۰/۸

روش	۳	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۰/۸
محتوا	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۱
روش	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۰/۸
محتوا	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۱
روش	۳	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۰/۸
محتوا	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۰/۸
روش	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۰/۸
محتوا	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۱
روش	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۱

با توجه به نتایج، از آنجایی که مقدار CVR هر کدام از آیتم‌ها بزرگتر از ۰/۶۲ (حداقل مقدار روایی ذکر شده برای ده داور در جدول تصمیم‌گیری در مورد CVR) بدست آمد اعتبار محتوایی این برنامه تأیید می‌گردد.

یافته‌ها

در این تحقیق برای بررسی سؤال پژوهش «الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی بر روابط والد-فرزند چه تأثیری دارد؟» از تحلیل کواریانس چندمتغیره (مانکوا) استفاده شده است. شاخص‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، مطابق با جدول فوق در تمامی زیر مقیاس‌های روابط والد فرزند (به جز خشم و آزرده‌گی/سردرگمی نقش) میانگین در گروه آزمایش در مرحله پس از آزمون نسبت به پیش از آزمون افزایش نشان می‌دهد.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار

متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه‌ها

متغیر	خرده مقیاس‌ها	گروه آزمایش				گروه گواه			
		پیش از آزمون	پس از آزمون	SD	M	پیش از آزمون	پس از آزمون	SD	M
وابستگی	عاطفه مثبت	۰/۷۱	۳/۲۱	۱/۲۷	۴/۸۰	۰/۵۹	۳/۸۴	۱/۶۰	۳/۸۹
	آمیزش پدران	۰/۷۲	۳/۳۵	۱/۰۴	۵/۱۲	۰/۶۳	۳/۲۳	۰/۸۱	۳/۳۱
	ارتباط/گفت و شنود	۰/۷۴	۳/۲۸	۱/۰۹	۴/۸۲	۰/۴۵	۳/۰۷	۰/۶۱	۳/۲۸
خشم	خشم	۱/۴۱	۴/۵۷	۱/۴۱	۲/۲۰	۱/۰۶	۴/۴۰	۱/۱۰	۴/۴۳
	عاطفه مثبت	۰/۴۰	۳/۴۲	۰/۵۳	۴/۹۳	۰/۵۲	۳/۷۱	۰/۵۱	۳/۷۰
	آزرده‌گی/سردرگمی نقش	۰/۷۴	۲/۸۷	۰/۳۹	۱/۶۰	۰/۷۵	۲/۶۷	۰/۸۴	۳/۹۳

هماندسازی	۳/۴۰	۰/۸۹	۶/۴۰	۰/۹۵	۴	۱/۰۲	۴/۱۰	۰/۹۱
ارتباط/گفت و شنود	۳/۳۸	۰/۶۴	۵/۳۷	۰/۶۳	۳/۷۱	۰/۶۸	۳/۹۰	۰/۷۶
نمره کل روابط والدفرزند	۳/۴۵	۰/۲۳	۴/۶۸	۰/۶۳	۳/۶۲	۰/۳۴	۳/۷۳	۰/۳۳

به منظور تحلیل داده‌ها از آزمون کواریانس چندمتغیره^۱ (مانکووا) استفاده شده است. نخست برای استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری پیش‌فرض‌های لازم بررسی شد. نتایج آزمون ام باکس^۲ ($P=۰/۱۹$)، $F=۱/۲۰$ ، $S M=۶۲/۹۹$ (BOX, S) فرض برابری ماتریس‌های کواریانس مشاهده شده متغیرهای وابسته را مورد تأیید قرار می‌دهد. همچنین نتایج آزمون پیرسون^۳ ($P<۰/۰۱$)، $R=۰/۷۵$ همبستگی کافی میان متغیرها را نشان داد. نتایج آزمون لون^۴ در مؤلفه‌های روابط پدر-فرزند شامل عاطفه مثبت ($F=۲/۶۳, P>۰/۰۱$) آمیزش پدرانه ($F=۰/۷۵, P>۰/۰۱$)، ارتباط/گفت و شنود ($P>۰/۰۱$)، $F=۵/۶۰$ ، خشم ($F=۲/۷۵, P>۰/۰۱$) و مؤلفه‌های روابط مادر-فرزند شامل عاطفه مثبت ($P>۰/۰۱$)، $F=۰/۰۱$ ، آزردهی/سردرگمی نقش ($F=۲/۵۶, P>۰/۰۱$)، همانندسازی ($F=۰/۲۰, P>۰/۰۱$) و ارتباط/گفت و شنود ($F=۱/۳۱, P>۰/۰۱$) نشان داد که سطح خطای F همه مؤلفه‌ها در آزمون لون بالاتر از ۰/۰۱ بود؛ بنابراین واریانس‌های خطای مؤلفه‌های روابط والد-فرزند در بین گروه‌ها تفاوت معناداری نداشتند. با توجه به برقراری مفروضه‌ها، می‌توان از تحلیل کواریانس چندمتغیری جهت بررسی معناداری تفاوت میانگین گروه‌ها با تعدیل اثر پیش‌آزمون استفاده کرد.

جدول ۴. نتایج آزمون‌های چندمتغیره بر روی میانگین نمره‌های پس‌آزمون روابط والد-فرزند

شاخص آماری اثر	آزمون	ارزش	F	df فرضیه	df خطا	sig	اندازه اثر
تفاوت گروه‌ها	اثر پیلای	۰/۹۲	۱۸/۷۳	۸	۱۳	۰/۰۰۱	۰/۹۲
	لامبدای ویلکس	۰/۰۸	۱۸/۷۳	۸	۱۳	۰/۰۰۱	۰/۹۲
	اثر هتلینگ	۱۱/۵۲	۱۸/۷۳	۸	۱۳	۰/۰۰۱	۰/۹۲
	بزرگترین ریشه روی	۱۱/۵۲	۱۸/۷۳	۸	۱۳	۰/۰۰۱	۰/۹۲

$P<۰/۰۵$

نتایج بدست آمده از تحلیل کواریانس چندمتغیری بر حسب مقیاس لامبدای ویلکز^۵ ($P<۰/۰۵$)، نشان داد بین میانگین خطی نمرات مؤلفه‌های روابط والد-فرزند شامل عاطفه مثبت، آمیزش پدرانه، ارتباط/گفت و شنود، خشم، عاطفه مثبت، آزردهی/سردرگمی نقش، همانندسازی و

1 Multivariate analysis of covariance (MANCOVA)

2 Box's M

3 Pearson

4 Levene's Test

5 Wilks's Lambda

ارتباط/گفت و شنود دو گروه تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و این گواه آن است که مداخله آزمایشی حداقل در بهبود یکی از متغیرهای وابسته مؤثر بوده است. ضمناً با توجه به شاخص اندازه اثر می‌توان نتیجه گرفت که مداخله آزمایشی ۹۲ درصد واریانس بهبودی روابط والد-فرزند را تبیین می‌کند. جهت پی بردن به این تفاوت تحلیل کواریانس در متن مانکوا انجام گرفت که نتایج حاصل از آن در جدول ۵ درج شده است.

جدول ۵. تحلیل آنکوا در متن مانکوا بر روی میانگین نمره‌های پس آزمون روابط والد-فرزند

اندازه اثر	sig	F	MS	df	SS	متغیرهای وابسته	آثار متغیرهای تحقیق
۰/۱۹	۰/۰۴	۴/۶۴*	۴/۰۵	۱	۴/۰۵	عاطفه مثبت	گروه مورد مطالعه
۰/۳۲	۰/۰۰۶	۹/۵۵*	۹/۰۴	۱	۹/۰۴	آمیزش پدران	
۰/۳۱	۰/۰۰۷	۸/۹۵*	۵/۷۳	۱	۵/۷۳	ارتباط/گفت و شنود	
۰/۵۱	۰/۰۰۱	۲۱/۰۹*	۲۶/۲۶	۱	۲۶/۲۶	خشم	
۰/۶۵	۰/۰۰۱	۳۷/۴۳*	۷/۶۵	۱	۷/۶۵	عاطفه مثبت	
۰/۸۴	۰/۰۰۱	۱۰۲/۵۱*	۲۹/۴۰	۱	۲۹/۴۰	آزردگی/سردرگمی	
۰/۷۳	۰/۰۰۱	۵۲/۹۱*	۳۰/۸۱	۱	۳۰/۸۱	نقش همانندسازی	
۰/۶۵	۰/۰۰۱	۳۶/۲۹*	۱۳/۶۱	۱	۱۳/۶۱	ارتباط/گفت و شنود	

* $P < 0.05$

مطابق با جدول فوق، با توجه به نتایج آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها و شاخص‌های محاسبه شده (نسبت‌های F و سطوح معناداری آنها) می‌توان نتیجه گرفت که در بین ۸ مؤلفه از روابط والد-فرزند، میانگین‌های نمره‌های دو گروه (آزمایش و کنترل) در ۸ مؤلفه عاطفه مثبت، آمیزش پدران، ارتباط/گفت و شنود، خشم، عاطفه مثبت، آزردگی/سردرگمی نقش، همانندسازی و ارتباط/گفت و شنود به طور همزمان متفاوت است. با توجه به مقدار اندازه اثر میزان تبیین متغیرهای وابسته توسط گروه (مداخلات) به ترتیب ۱۹، ۳۲، ۳۱، ۵۱، ۶۵، ۸۴، ۷۳ و ۶۵ درصد می‌باشد. با توجه به نتایج آزمون، آموزش به شیوه الگوی تلفیقی در افزایش عاطفه مثبت، آمیزش پدران، ارتباط/گفت و شنود از مؤلفه‌های روابط پدر فرزند و افزایش عاطفه مثبت، همانندسازی و ارتباط/گفت و شنود و کاهش خشم و آزردگی/سردرگمی نقش شرکت‌کنندگان پژوهش مؤثر بود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی بر بهبود روابط والد-فرزند دانش‌آموزان دختر انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل کواریانس چند متغیره نشان می‌دهد که آموزش الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی باعث بهبود روابط والد-فرزند گروه آزمایش در مقابل گروه کنترل شده

است. به عبارت دیگر، الگوی تلفیقی که در آن از آموزش مهارت‌های ارتباطی با استفاده از فنون جان‌درمانی مولوی برای بهبود روابط والد-فرزند استفاده شد، توانست بر تمام هشت مؤلفه روابط والد فرزند اثر گذاشته و باعث افزایش عاطفه مثبت، آمیزش پدرانه، ارتباط/گفت و شنود (مؤلفه‌های روابط پدر-فرزند)، عاطفه مثبت، همانندسازی و ارتباط/گفت و شنود (مؤلفه‌های روابط مادر-فرزند) و همچنین کاهش خشم و آزرده‌گی/سردرگمی نقش شود. این یافته همسو با یافته‌های پژوهش فرازی و همکاران (۲۰۱۷، ۲۰۱۸) می‌باشد. در پژوهش‌های ذکر شده نتایج نشان آموزش الگوی تعلیمی باعث بهبود روابط والد-فرزند، تفکر انتقادی و هویت ملی و دینی می‌شود.

در مقایسه با تحقیقات بالا، در الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی سعی شد با آموزش مهارت‌های ارتباطی و به کارگیری فنون مؤثر جان‌درمانی که هدف آن حرکت به سمت پویایی و سیالیت جان است، نحوه صحیح ارتباط برقرار کردن با والدین به دانش‌آموزان آموخته شود. فنون به کار گرفته برای آموزش مهارت‌های ارتباطی، یکی گوش‌سپاری است که هدف آن: درک و فهم هر چه بیشتر مراجع و برقراری یک رابطه من-تویی در مشاوره به گونه‌ای که مراجع (تو) به سخن درآید، کسب زمینه‌ای برای شنود خویشتن و همچنین شنود مشاور به عنوان یک توی دیگر در برابر مراجع. تقویت این زمینه در مراجع به کسب آگاهی و هوشیاری بیشتر از خود و دیگران و بهتر شدن روابط و عمیق‌تر اندیشیدن وی می‌شود، بنابراین مهم‌ترین ارزیابی برای رشد درمان نیز عمیق‌تر شدن این فن میان مشاور و مراجع است. دوم فن قفس‌آشنایی و قفس‌شکنی است که هدف از آن ترغیب مراجع به شناخت بندها و تعلقات اسپرزی خویش، بیان احساسات و هیجانات خود در این زمینه و حرکت به سمت هدف درمانی. سوم شناخت با برابر نهاد و تشکیل هم نهاد است که هدف درمانی: کسب شناخت و افزایش معرفت از خویشتن و از هستی پیرامون خویش. چهارم فن آینه جان است که هدف درمانی آن: ترغیب مراجع به شناخت بندها و تعلقات اسپرزی خویش و بیان احساسات و هیجانات خویش در این زمینه و حرکت به سمت رهایی و آزادی معنوی. پنجم طرح‌افکنی است که هدف درمانی: درگیری در عمل و فعالیت. و در نهایت فن چراغ است که هدف درمانی آن: آشنایی یا گشودگی و پوشیدگی، حجاب و حجاب‌افکنی از جان می‌باشد (اسمعیلی و محمدی، ۲۰۱۵).

بر همین اساس با آموزش مهارت‌های ارتباطی با استفاده از فنون فوق‌الذکر، دانش‌آموزان بهتر می‌توانند ارتباط موفق با دیگران مهم و محیط پیرامون‌شان داشته باشند. چون از طریق گوش‌سپاری می‌توانند یک رابطه من و تویی با والدین خود برقرار کرده و از طریق فنون قفس‌آشنایی و قفس‌شکنی، شناخت با برابر نهاد و تشکیل هم نهاد و آینه جان بهتر می‌تواند شناخت بهتر و کاملتری نسبت به خود و دیگران داشته باشند و از این طریق مشکلات و زنگارهای ارتباط موجود بین خود و دیگران مهم را پیدا کرده و از طریق طرح‌افکنی و فن چراغ راه رسیدن به گشودگی را پیدا و به برطرف کردن زنگارهای موجود اقدام کنند. بنابراین، با توجه به اینکه فرهنگ هر جامعه‌ای متفاوت هست الگوهای بومی که

برخاسته از فرهنگ همان جامعه است، به سبب آشناتر بودن افراد با این الگوها تأثیر عمیق‌تری می‌گذارند. این مطلب را می‌توان ریشه در فرهنگ و خانواده دانست. زیرا، خانواده در ایران همواره مهد پرورش فرزندی بوده است که عشق به وطن و نگاهبانی مرزوبوم در نهاد آنان با شیر اندرون می‌شده است، چون خانواده نخستین سرچشمه‌ای است که در فرهنگ اندوزی و ادب‌پروری، همگان از آن سیراب می‌شوند. از همین رو، دانش‌آموزان توانستند با استفاده از فنون جان‌درمانی که برگرفته از اشعار مولوی (قصه طوطی و بازرگان) است ارتباط عمیق‌تری با محتوای آموزشی برقرار کنند چون با آن آشنا بوده و متناسب با فرهنگ مراجعین (به ویژه با توجه به فرهنگ سنتی، مذهبی، جمع‌گرا و ادب‌پرور شهر بیرجند نسبت به شهرهای بزرگ‌تر و تعلق خاطر به آثار مولوی) است.

در نهایت بر اساس نتایج بدست آمده و با توجه به تغییر روابط والد - فرزند در دوره نوجوانی و لزوم مسلط بودن به مهارت‌های ارتباطی و نحوه درست ارتباط برقرار کردن می‌توان کارگاه‌های آموزشی در مدارس با حضور هم‌والدین و هم‌فرزندان برگزار کرد و به آموزش الگوی تلفیقی تعلیمی-مولوی توسط متخصصین این حوزه پرداخت تا از این طریق گامی در جهت بهبود هر چه بهتر کیفیت روابط والد - فرزند برداشته شود. از جمله محدودیت‌ها می‌توان به نبود دوره پیگیری برای ارزیابی میزان تداوم برنامه آموزشی و انتخاب غیر تصادفی افراد گروه نمونه اشاره کرد. در پایان با توجه به اینکه در این پژوهش آموزش الگوی تلفیقی تنها بر روی دانش‌آموزان دختر انجام شد، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی آموزش این الگو با والدین نیز اجرا شده و تفاوت‌های جنسیتی نیز لحاظ شود.

References

- Ahadi, H. & Jomehri, F. (2016). *Developmental Psychology (Adolescence, Adulthood)*, Qom Publications bright future.
- Anyamene, A., Nwokolo, C., & Madegbuna, U. (2015). Effects of psychoeducation technique on examination misconduct tendencies of secondary school students. *European Scientific Journal*, 11, (11), 1857-7881.
- Arias, V. S., & Punyanunt-Carter, N. M. (2017). *Family, Culture, and Communication*. Oxford Research Encyclopedia of Communication.
- Bi, X., Yang, Y., Li, H., Wang, M., Zhang, W., & Deater-Deckard, K. (2018). Parenting Styles and Parent-Adolescent Relationships: The Mediating Roles of Behavioral Autonomy and Parental Authority. *Frontiers in Psychology*, 9. doi:10.3389/fpsyg.2018.02187
- Branje, S. (2018). Development of Parent-Adolescent Relationships: Conflict Interactions as a Mechanism of Change. *Child Development Perspectives*, 12(3), 171-176. doi:10.1111/cdep.12278

- Brown, N. W. (2018). *Psychoeducational groups: process and practice* (4th ed). New York: Routledge.
- Çelik, Ş. (2004). The effects of an attachment-oriented-psychoeducational-group-training on improving the preoccupied attachment styles of university students. (The Degree of Doctor of Philosophy). Middle East Technical University.
- Cooper, J. B. (1966). Two scales for parent evaluation. *The Journal of Genetic Psychology*, 108, 49-53.
- Cotteral, J. (2004). *Social networks and social influences in adolescence*. London: Routledge.
- Dadash, Z. (2004). *The Application of Family Reconstruction to Improve Mother-daughter Relationship* M.Sc., Khatam University.
- Delavar, A. (2012). *Research method in psychology And Educational Science*. Tehran: virayesh Publishing.
- Ellis, W. E., & Dumas, T. M. (2018). Peers Over Parents? How Peer Relationships Influence Dating Violence. *Adolescent Dating Violence*, 105–133. doi:10.1016/b978-0-12-811797-2.00005-0
- Esmaili, M. (2015). *Paradigmatic Considerations in Family Therapy*. Tehran: Elm Publishing.
- Esmaili, M., & Mohammadi, R. (2015). Jan therapy: a psychotherapeutic interpretation of the spiritual Masnavi based on the story of a parrot and a merchant. Tehran: Savalan.
- Farazi, F., Esmaili, M., Eskandari, H., & Hatami, M. (2017). Effect of Educational pattern Training on Parent-Child Relationship and Critical Thinking. *Journal of Educational Research*, 4(34), 75-94. Retrieved from <http://erj.khu.ac.ir/article-1-260-en.html>
- Farazi, F., Esmaili, M., Eskandari, H., & Hatami, M. (2018). The impacts of teaching the educational pattern on improving the parent-child relationship and the national and religious identity Girl students of Birjand city. *Quarterly journal of research in educational systems*, 12(41). 27-47. DOI: 10.22034/JIERA.2018.65183
- Fine, M. A., Moreland, J. R., & Schwebel, A. I. (1983). Long-Term Effects of Divorce on Parent-Child Relationships. *Developmental Psychology*, 19(5), 703-713.

- Forouzan Far, B. (2006). *Description of Mathnavi Sharif* (3 vol.). Tehran: Zavar Publications.
- Ghorbani, n. (2015). *Communication styles and skills*. Tehran: New Insights.
- Gordont. (1976). *P.E.T. in Action* (New York, Wyden).
- Hambali, I. M., & Gipayana, M. (2016). A cognitive stage-experiential psycho-educational guidance model to enhance the Bhineka Tunggal Ika (Unity in diversity) awareness. *Journal of Social Sciences*, 5 (1) :19-28.
- Hatami, M., Sadeghi Rad, S. And Hassani, J. (2016). The Effectiveness of Communication Skills Training on Impulsivity in Adolescent Girls with Conduct Disorder Symptoms. *Journal of Research in Educational Systems*, 9(31), 227-254.
- Kaya, M. (2015). Psycho Education Program for Prevention of Test Anxiety on 8th Grade Students to Reduce Anxiety and Indecisiveness. *European Journal of Interdisciplinary Studies*, 1(1), 37-43.
- Kuttler, A. F., & Greca, A. M. (2004). Linkages among adolescent girls' romantic relationships, best friendships, and peer networks. *Journal of Adolescence*, 27, 395-414.
- Makiwane, M., Gumede, N. A., Makoe, M., & Vawda, M. (2017). Family in a changing South Africa: structures, functions and the welfare of members. *South African Review of Sociology*, 48(2), 49-69.
- Mallahi, M. A., & Niknejadi, F. (2017). Effectiveness of Positive Thinking Skills on Improving the Situation of Fathering Behavior, Conversation and Anger in Relation of Daughters and their Veteran Fathers. *iranian journal of war and public health*, 9(1), 1-7.
- Milani Far, b. (2017). *Mental Health*. Tehran: Ghomes.
- Mohamadi, R. (2010). Formulation of a therapeutic pattern based on the story of parrot and merchant (spiritual mathnavi) and determining its effectiveness on reducing despair. (Unpublished Master thesis). Allameh Tabatabaei University, Tehran, MA.
- Mohammadi, R. (2011). John's ontology in Rumi's view of the psychological angle. *Counseling & Psychotherapy Culture*, 5, 55-76.
- Ohannessian, C. M. (2013). Parental problem drinking and adolescent psychological problems: The moderating effect of adolescent-parent

- communication. *Youth & Society*, 45, 3-26. doi: 10.1177/0044118X11408931
- O'Reilly, M.F., Lancioni, G. E., Sigafoos, J., O'Donoghue, D., Lacey, C., & Edrisinha, C. (2004). Teaching social skills to adults with intellectual disabilities: a comparison of external control and problem-solving interventions. *Research in Developmental Disabilities*, 25(5), 399-
- Parhizgar, A. (2003). Comparison of quality of parenting relationship in students with identity crisis and without identity crisis in Kazeroon high schools. M.Sc., Faculty of Psychology and Educational Sciences, Teacher Training University.
- Patterson, R. (1977). *Families* (New York, Research Press).
- Pourfarahani, M., Moradian, N., Zamani nia, F., & Ali Kimiaee, H. R. (2019). The Effectiveness of Communication Skills Training on Adaptation and Resiliency of young couples. *Journal Woman & Culture*, 11(40), 95-108.
- Prinyapol, P., & Chongruksa, D. (2013). Psychoeducational Group Counseling For Academic Achievement Of Undergraduate Students In Thailand In The Southern Unrest Province. *Social and Behavioral Sciences*, 84, 76-81.
- Runcan, P. L., Constantineanu, C., Ielics, B., & Popa, D. (2012). The role of communication in the parent-child interaction. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46: 904-908.
- Sanaei, B., Alagheband, S. & Hooman, AS. (2001). *Family and Marriage Measurement Scales*. Tehran: Ba'athat.
- Smetana, J. G., Campione-Barr, N., & Metzger, A. (2006). Adolescent development in interpersonal and societal contexts. *Annual Reviews*, 57, 255-284.
- Withers, M. C., McWey, L. M., & Lucier-Greer, M. (2016). Parent-Adolescent Relationship Factors and Adolescent Outcomes Among High-Risk Families. *Family Relations*, 65(5), 661-672. doi:10.1111/fare.12220
- Zamani, K. (2003). *Love Pug: The Theological Explanation of Mowlana Jalal al-Din Muhammad Balkhi*. Tehran: Nei Publishing.

The effect of Rumi's integrated didactic model training on parent-child relationships in female students

Fariba Farazi
Masoumeh Esmaili
Hossein Eskandari
Mohammad Hatami

Abstract

Parents and their children build new relationships with each other during adolescence. This study aimed to investigate the effect of Rumi's integrated didactic model training on parent-child relationships. The present study was a Quasi-experimental research with a pretest-posttest control group design and the statistical population comprised all twelfth grade female students in Birjand technical schools in the academic year 2016-2017. Out of this population, 30 people who met the inclusion criteria were selected by multistage cluster sampling. Fine, Moreland and Schwebel Parent-Child Relationship Inventory (1983) was used to measure the dependent variable. The training program was performed in 8 sessions of 1 hour for the experimental group and the control group did not receive any intervention. The research data were analyzed using multivariate analysis of covariance. The results demonstrated that Rumi's integrated didactic model training improved parent-child relationships compared to the control group ($P < 0.05$). According to the obtained results, it can be stated that the quality of parent-child relationships improves as a result of Rumi's integrated didactic model training.

Keywords: The Educational- Rumi's Compilation model, Parent-Child Relationship, Communication skills, Female students

¹ * Instructor, PhD in Educational Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

² Professor, Department of Counseling, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

³ Professor, Department of Psychology, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

⁴ Professor, Department of Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran